



ترس و نگرانی والدین و کودکان
درباره‌ی فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی
و تغییرات فرهنگی و اجتماعی

لودیت‌های معاصر

در طول تاریخ، گروه‌های متفاوتی وجود داشته‌اند که به سبب پیدایش فناوری‌های جدید، مورد تهدید قرار گرفته‌اند. شاید معروف‌ترین آن‌ها در اوایل قرن نوزدهم، یک گروه از بافندگان شهر «یورکشایر» بودند که با نام «لودیت» شناخته شدند. آن‌ها ماشین‌هایی را که با انقلاب صنعتی وارد جامعه شده بودند، خراب کردند. این عملشان باعث تصویب لایحه‌ای در مجلس شد که طبق آن، برای افرادی که مبادرت به شکستن ماشین‌های صنعتی می‌کردند، حکم اعدام صادر می‌شد. در واقع آن‌ها با خود فناوری مخالف نبودند، بلکه مخالفشان بیشتر به دلیل تغییراتی بود که ورود فناوری در جامعه ایجاد می‌کرد. این تغییرات عبارت بودند از: تغییر موقعیت محل کار از خانه به کارخانه و در نتیجه، تهدید دوام و پایداری فرهنگی جوامعی که صنعتشان بر پایه‌ی صنایع دستی بود.

گروه دیگری در پنسیلوانیای آمریکا، از قبول فناوری طفره می‌روند. این فناوری‌ها شامل رادیو، تلویزیون، تلفن و برق است. از نظر آن‌ها، همه‌ی انواع فناوری تهدیدی برای حفظ و نگهداری هویت شخص در جامعه است. بسیاری از مفسران آکادمیک مطرح می‌کنند، به همان شکل که فناوری سبب ایجاد تغییراتی در جامعه در قرن نوزدهم شد، فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی (ICT)، سبب ایجاد تغییرات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در قرن ۲۱ می‌شوند.

شرکت «مایکروسافت» در آمریکا در بعضی از تبلیغات تجاری خود ادعا می‌کند که ما در حال ورود به عصر اطلاعات هستیم و جهان دیگر هرگز مانند گذشته نخواهد بود. یادگیری از راه دور،

ترجمه: مریم معاذی



کتابخانه‌های دیجیتالی، رأی‌گیری از طریق الکترونیک، پست الکترونیک، ویدیو کنفرانس، کنترل حساب بانکی از راه دور، گفت‌وگوهای روی خط^۲ و خرید کردن از داخل خانه، از جمله جذابیت‌ها و کشش‌هایی برای پذیرش سریع اتصال رایانه‌های خانگی به اینترنت هستند. این پیشرفت‌های فناورانه جذاب‌اند، چون به نظر می‌آید، آن‌ها کار خود را با بازده، سرعت، قدرت، کنترل و دانش بیشتر و به نحو خوشایندتری انجام می‌دهند و نیرویی بالقوه در ثروت اقتصادی و پیشرفت شخصی هستند.

«طرفداران آرمان شهر سایبرنتیک» آینده‌ای را تصور می‌کنند که در آن، ICT می‌تواند درمانی برای مشکلات جامعه باشد و ما را قادر می‌سازد تا از محدودیت‌های ناشی از فیزیک بدنی خود آزاد شویم. ICT شمول اجتماعی را ترویج و ارتباطات جهانی را افزایش می‌دهد. در حالی که منتقدان سایبرنتیک مطرح می‌کنند که در نقش‌پذیری جدید ارتباطات اجتماعی، ICT تنها به ایجاد موقعیت‌های جدید نمی‌پردازد، بلکه می‌تواند سبب بروز آسیب‌ها و خطرات زیادی شود. کودکان به عنوان نسل آینده، به نظر می‌رسد هنگام ورود به عصر اطلاعات بیشترین امتیازات را به دست آورند، و یا از دیدگاه منتقدان، از دست بدهند. بر این اساس، دولت مردان آمریکایی و انگلیسی، تأکید زیادی بر توسعه‌ی مهارت‌های فناورانه‌ی کودکان دارند. این کار در حقیقت به منظور تجهیز آن‌ها برای زندگی در جهان الکترونیک است. آن‌ها می‌کوشند راهی برای ورود سخت‌افزارها و نرم‌افزارها به مدارس، برای استفاده‌ی تمام دانش‌آموزان بیابند. در واقع آن‌ها تلاش می‌کنند، از تقسیم جامعه به دو گروه کسانی که مهارت‌های فناورانه را دارند و کسانی که این مهارت‌ها را ندارند، جلوگیری کنند.

در حالی که ICT را تعداد زیادی از کودکان و بزرگسالان پذیرفته‌اند، بسیاری از افراد در مورد راه‌هایی که فناوری می‌تواند جوامع را دگرگون سازد و همچنین توانایی‌های خودشان برای بهبود مهارت‌های فناورانه بیمناک هستند. مارشال، به درستی مطرح می‌کند که پیشوند «سایبر»^۴، نگرانی‌ها و ترس‌های زیادی را در مورد آینده، تداعی می‌کند. برای مثال سایبرنتیک به معنای رایانه‌ای است که از ذهن انسان پیشی گرفته و یا جای‌گزین آن شده است. و یا «سایبورگز»^۵ به معنای ترکیب شدن انسان و ماشین است. این نگرانی‌ها معمولاً به عنوان «تکنوفوبیا» یا تنفری نامعقول از رایانه مطرح می‌شوند. در نتیجه، با این که دولت مردان ممکن است ترویج مهارت‌های همگانی فناورانه را تشویق کنند، بسیاری از کودکان بهره‌گیری از فرصت‌هایی را که در صورت استفاده‌ی آن‌ها از رایانه‌های خانگی به وجود می‌آیند، بر نمی‌گزینند.

این مقاله به ترس‌ها و نگرانی‌های والدین و کودکان در مورد ICT و تغییرات فرهنگی اجتماعی می‌پردازد. مقاله با توضیح این که چگونه نگرانی‌های والدین و معلمان ممکن است نگرش‌های کودکان را در جهت پذیرش ICT شکل دهد، شروع می‌شود و سپس به تکنوفوبیای خود کودکان توجه می‌کند. اطلاعات مطرح شده در مقاله، براساس مواد جمع‌آوری شده از یک تحقیق بنیادی دو ساله است که در مورد استفاده‌ی کودکان از ICT در مدرسه و خانه انجام گرفت. اولین مرحله‌ی تحقیق در سه مدرسه‌ی راهنمایی صورت پذیرفت. دو مدرسه در حومه‌ی مرکزی شهر یورکشایر و مدرسه‌ی سوم در یک روستای ساحلی در منطقه‌ی کورن وال قرار داشتند. دو مدرسه‌ای که در حومه‌ی شهر بودند، از لحاظ نوع پذیرش دانش‌آموزان با یکدیگر متفاوت بودند. در حالی که مدرسه‌ی «های فیلد» بیشتر به پذیرش طبقه‌ی متوسط جامعه توجه داشت، اکثر والدین دانش‌آموزان مدرسه‌ی «استیشن رود» از طبقه‌ی کارگر بودند. مدرسه‌ی سوم دارای یک ترکیب اجتماعی بود که در اکثر مدارس روستایی یافت می‌شود.

نگرانی و ترس
والدین در مورد
ICT مربوط به
زمان حال نیست،
بلکه بیشتر در مورد
آینده‌ی کودکان
است. آن‌ها تصور
می‌کنند که در
آینده، با جامعه‌ای
کاملاً دگرگون شده
به وسیله‌ی رایانه
روبه‌رو خواهند بود.

نگرانی‌های بزرگسالان در مورد کودکان نگرانی در مورد آینده

در تصور عمومی، رابطه‌ی اجتناب‌ناپذیری بین فناوری‌های جدید و آینده‌ی شغلی وجود دارد. از نظر اغلب مردم، ICT عاملی برای تغییرات شغلی و تولید ارزش است. این نکته باید بسیار مورد توجه قرار گیرد که نیاز به نیروی کار در آینده به وسیله‌ی فناوری اشباع می‌شود.

پیش‌بینی می‌شود که در آینده، مهارت‌های ICT پیش‌نیاز اشتغال بیشتر افراد (کارگران) خواهد بود و مهارت فناورانه قادر است، سرمایه‌ی عقلانی آن‌ها را به سرمایه‌ی اقتصادی و فرهنگی تبدیل کند. کروکر و ونیستین، مطرح می‌کنند که سواد رایانه‌ای کلیدی برای آسایش و رفاه آینده‌ی اعضای کلاس مجازی خواهد بود. شرکت‌های رایانه‌ای به سرعت روی این ارتباط در تبلیغات خود برای بزرگسالان تأکید دارند و بیان می‌کنند که رایانه معمولاً نقش ابزار آموزشی را بازی خواهد کرد. اگر رایانه‌های خانگی به اینترنت وصل شوند، می‌توانند دربرگیرنده‌ی پاداش‌های (بهره‌های) اقتصادی بالقوه‌ای در آینده باشند (در حالی که در تبلیغاتی که برای کودکان صورت می‌گیرد، رایانه بیشتر به عنوان یک ابزار بازی مطرح می‌شود).

تعجب‌آور نیست، والدینی که ما با آن‌ها مصاحبه کردیم، عمومی‌ترین نگرانی خود را به این شکل مطرح کردند که اگر آن‌ها در خانه یک رایانه‌ی شخصی نداشته باشند، ممکن است فرزند آن‌ها فرصت کسب مهارت‌های فناورانه‌ی لازم برای کار در بازار آینده را از دست بدهند.

مصاحبه‌گر: «چرا فکر می‌کردید، حتماً باید برای فرزند خود رایانه بخرید؟»

مادر: «ما اساساً به یک رایانه احتیاج داشتیم و آن نیز احساس می‌کرد که برای کارهای مدرسه به رایانه نیاز دارد. او فکر می‌کرد که دارد شانس‌های زیادی را از دست می‌دهد. تعداد زیادی از بچه‌های هم‌سن او رایانه دارند. آن‌ها می‌توانند، اطلاعات زیادی را از رایانه بگیرند. هیچ‌کس نمی‌تواند این همه اطلاعات را به صورت کتاب در کتاب‌خانه‌ی خود نگاه‌داری کند. در حالی که در یک سیستم رایانه‌ای، با فشار یک دکمه این کار انجام می‌شود. بنابراین بچه‌ای که رایانه دارد، دارای یک سلسله امتیازات است و من احساس می‌کردم که اگر ما رایانه نداشته باشیم، بچه من در موقعیت نامطلوبی قرار می‌گیرد. بنابراین مجبور شدم رایانه‌ی ارزان قیمت دست دومی بخرم. با این کار او می‌تواند یک پله از نردبان ترقی را طی کند.»

(مادر، منطقه‌ی وست‌پُرت)

مارشال، این ترس از عدم اتصال و ارتباط با اقتصاد اطلاعاتی قریب‌الوقوع را به عنوان «تکنوفوبیا از آینده‌ی پیش‌بینی شده» مطرح و بیان می‌کند که پیامد آن توسعه‌ی سریع ICT به فضای خانه‌ها در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن ۲۱ است. او این ترس را پدیده‌ای در طبقه‌ی متوسط جامعه می‌داند و می‌نویسد: «ورود رایانه به خانه‌ها در ارتباط با تمایلات و نیازهای آموزشی است. بچه‌های خانواده می‌توانند، موقعیت کلاسی خود را از طریق سواد رایانه‌ای ابقا کنند.»

شواهد این تحقیق نشان می‌دهد که اکثر والدین طبقه‌ی کارگر به اندازه‌ی والدین طبقه‌ی متوسط نگران هستند که فرزندان آن‌ها در طرف نادرست یک جهان قطبی‌شده‌ی فناورانه قرار بگیرند. بعضی از این والدین پول قرض کردند یا وسایلشان را فروختند تا بتوانند رایانه‌ی شخصی بخرند. سایر افراد، به خاطر عدم توانایی در تهیه‌ی رایانه برای فرزندان‌شان که سبب بهبود مهارت‌های فناورانه آن‌ها می‌شود، دچار ناامیدی شدند.

مادر: «بچه‌هایم به طور جدی مرا تهدید کردند. آن‌ها گفتند که نمی‌توانند تکالیف خود را در

عمومی‌ترین
نگرانی والدین
این است که اگر
آن‌ها در خانه یک
رایانه‌ی شخصی
نداشته باشند،
ممکن است فرزند
آن‌ها فرصت
کسب مهارت‌های
فناورانه‌ی لازم
برای کار در بازار
آینده را از دست
بدهد

مدرسه انجام دهند و برای انجام تکالیف خود در خانه به رایانه نیاز دارند. تمام دوستان آن‌ها در خانه رایانه دارند. حتی وقتی شما برای خرید به فروشگاه می‌روید و یا برای انجام کاری به یک دفتر کار مراجعه می‌کنید، می‌بینید همه با رایانه کار می‌کنند. منظورم را می‌فهمید؟ به نظر می‌رسد همه‌ی افراد رایانه دارند و کار با رایانه قسمتی از شغل همه شده است. آن‌ها در آینده از شما خواهند خواست که در محیط کارتان قادر به استفاده از رایانه باشید.»

(مادر، استیشن رود)

از این بُعد، نگرانی و ترس والدین در مورد ICT مربوط به زمان حال نیست، بلکه بیشتر در مورد آینده‌ی کودکان است. آن‌ها تصور می‌کنند که در آینده، با جامعه‌ای کاملاً دگرگون شده به وسیله‌ی رایانه روبه‌رو خواهند بود. اتصال رایانه به اینترنت برای آن‌ها کاملاً ضروری است؛ چه به عنوان وسیله‌ی کار و چه به عنوان وسیله‌ی بازی که سبب توسعه‌ی مهارت‌ها و هویت آن‌ها هم‌گام با تغییرات سریع در جامعه می‌شود. ولی برعکس، کودکان بیشتر به زمان حال تمایل دارند تا آینده. با این‌که به شکل گسترده‌ای به کودکان نشان داده شده است که ICT بخش مهمی را در بیشتر استخدام‌های آینده بازی خواهد کرد و آن‌ها برای انجام کارهای متفاوت باید به اینترنت وصل شوند، ولی در ابتدا رایانه برای آن‌ها به عنوان یک وسیله‌ی سرگرمی، بیش از یک وسیله‌ی کار مطرح است و اهمیت پیدا می‌کند.

برای بعضی کودکان، رایانه وسیله‌ای برای بازی‌های رایانه‌ای است و برای عده‌ای دیگر به عنوان یک منبع اطلاعاتی در مورد ورزش و قهرمان فیلم‌ها اهمیت دارد. در حالی که بعضی ترجیح می‌دهند، از آن برای برقراری ارتباط با دوستان و افراد خانواده استفاده کنند. در منازل، جایی که والدین تنها روی ارزش آموزشی رایانه تأکید می‌کنند، معمولاً بچه‌ها در استفاده از آن بی‌میل می‌شوند. در بعضی موارد، حتی سبب تنفر آن‌ها از انجام دهند و از رایانه به این خاطر که کسل‌کننده است، بیزار می‌شوند. پدر یکی از دانش‌آموزان شرح می‌دهد که چگونه پسر او حاضر نشد از رایانه برای مقاصد آموزشی استفاده کند و تسلیم نشد تا این که بازی‌های رایانه‌ای را نیز در رایانه‌ی خانه نصب کرد.

پدر: «وقتی پسرم مطرح کرد که یک رایانه به خصوص برای بازی می‌خواهد، من ابتدا یک پردازشگر لغت برای او گرفتم. اما بعد از مدتی مجبور شدم، مقداری بازی نیز روی آن نصب کنم؛ به خاطر این‌که او اصلاً حاضر نبود از رایانه استفاده کند. بعد از مدتی، او دوباره از کار کردن با رایانه دست کشید و برای برگرداندن او، من بازی‌های بیشتری خریدم.»

(پدر، های‌فیلد)

در واقع والدینی که به وسیله‌ی «تکنوفوبیا از یک آینده طراحی شده» برانگیخته می‌شوند، به دلیل اشتباهشان در مورد منافع بالقوه‌ی آموزشی ICT، ناآگاهانه می‌توانند دانه‌های تکنوفوبیا را در دل فرزندان‌شان بکارند. (ادامه دارد)

زیرنویس

- 1-Loddit
- 2-online
- 3-eyber utopians
- 4-eyber
- 5-eyborgs

جایی که والدین
تنها روی ارزش
آموزشی رایانه
تأکید می‌کنند،
معمولاً بچه‌ها
در استفاده از آن
بی‌میل می‌شوند. در
بعضی موارد، حتی
سبب تنفر آن‌ها از
تکالیفی می‌شود که
باید توسط رایانه
انجام دهند